

فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم- شماره اول- بهار ۱۳۹۸- شماره پیاپی ۴۳

بررسی نگاه متفاوت شاعران داستانسرا و غزلسرا به پدیده های یکسان،

بررسی موردی «گنبد»

(ص ۲۰۱- ۲۲۰)

محمود مدبری^۲ (نویسنده مسئول)، محسن شفیعی بافتی^۳

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۹۷

چکیده

در این پژوهش برآنیم تا نگاه دو گروه از شاعران پارسی زبان را به یک پدیده یکسان که در این تحقیق «گنبد» در نظر گرفته شده است، بررسی نماییم. برای این کار، به بررسی کاربردهای گنبد در شعر هر یک از شاعران یادشده و برشمردن ویژگیها و معانی مجازی در نظر گرفته شده برای «گنبد» در آن شعر، میپردازیم. با تجمیع و مقایسه نتایج حاصل از این بررسیها، به شناخت تفاوتها و تشابهات بین نگاه دو گروه غزلسرا و داستانسرا به «گنبد» پی میبریم. پیش از پرداختن به بررسی تفاوت دیدگاه این دو گروه از شاعران به «گنبد»، مختصراً به بررسی «گنبد» از نگاه هنر مقدس و حکمت هنر اسلامی میپردازیم.

کلمات کلیدی: گنبد، حافظ، سعدی، مولانا، خواجهی کرمانی، نظامی گنجوی

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (modaberi2001@yahoo.com)

۳- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور مرکز کرمان (m.shafie@pnu.ac.ir)

۱- مقدمه

یکی از عناصر بسیار پرکاربرد در سازه‌های ایرانی، "گنبد" است. این عنصر سازه‌ای، در انواع مختلف و گونه‌گون سازه با کاربردهای متفاوت و حتی گاه متضاد نیز به کار رفته است، از خانه‌های عادی گرفته تا ابنیه خاص با کاربردهای مذهبی، عمومی، آموزشی و... میتوان ردپای گنبد را مشاهده کرد. گنبد علاوه بر آن که به عنوان یک سازه، امکان دسترسی به فضاهای گسترده را بدون مزاحمت ستونهای متعدد فراهم میکند، از دیدگاه سنت‌گرایان دارای معانی رمزین و نمادینی است که اهمیت و جایگاه آن را از یک سازه یا عنصر سازه‌ای ساده فراتر میبرد.

این مقاله به بررسی بازتاب و نقش عنصر گنبد در آثار پنج سخن‌سرای فارسی میپردازد. این پنج سخن‌سرا از میان دو گروه غزلسرا و داستان‌سرا انتخاب شده‌اند که در گروه نخست حافظ، سعدی و مولانا و در گروه دوم خواجوی کرمانی و نظامی قرار دارند.

۲- بیان مسئله

در این تحقیق بر آنیم تا در گام نخست با بررسی آثار پنج شاعر ایرانی - که در دو گروه غزلسرا و داستان‌سرا تقسیم‌بندی شده‌اند و ذکر آن پیشتر رفت - به بررسی بسامد و کارکرد «گنبد» در آثار این شعرا بپردازیم تا از این راه‌گذر برای سوالات زیر پاسخهایی را بیابیم.

(۱) آیا گنبد معنا و مفهومی غیر از یک عنصر سازه‌ای دارد یا خیر؟

(۲) در شعر کدامین این شاعران گنبد بسامد بیشتری داشته است؟

(۳) در شعر کدامین این شاعران گنبد بیشتر در معنای واقعی خود به کار رفته و کجا در معنای ثانویه به کار رفته است و در این صورت معنی ثانویه‌ای که شاعر برای گنبد در نظر داشته چه بوده است؟

۳- پیشینه تحقیق

درباره آثار هر یک از شاعران مورد بحث در این پژوهش، از زوایای متفاوت و متنوعی پژوهشهایی صورت گرفته که هر یک در نوع خود راهگشا و بیانگر مطالب نهفته‌ای بوده‌اند. اما تا کنون مشخصاً درباره نقش و کارکرد گنبد به منظور تطبیق و مقایسه دو گروه داستان‌سرا و غزلسرا، تحقیقی صورت نگرفته است. مقاله «کاربرد گنبد در شعر فارسی از چشم‌انداز اسطوره‌ای» به بررسی کارکرد این عنصر سازه‌ای از دیدگاه اسطوره‌ای پرداخته است. (ن.ک: مجله زبان و ادب، کامیار و علی اکبری، شماره ۱۹، صص ۱۲۳-۱۴۱)

۴- ضرورت تحقیق

گنبد هم به عنوان عنصری سازه‌ای که توانسته امکان دسترسی به فضاهای بزرگتر بدون مزاحمت ستونهای متعدد را برای انسان فراهم آورد و هم به عنوان عنصری که پژوهشگران سنت‌گرا در عرصه‌ی هنر قدسی برای آن معانی رمزین و نمادینی در نظر گرفته‌اند مورد توجه بوده‌است. سنت‌گرایان بر این باورند که «گنبد» یک عنصر سازه‌ای صرف نیست و دارای وجوه معنایی نمادین و رمزین متعددی است که البته پرداختن به این وجوه رمزین و نمادین «گنبد» از حوصله‌ی این مقاله بیرون است. از این‌رو، این عنصر سازه‌ای به دلیل داشتن توأمان وجوه مادی و معنوی در این مقاله مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. انجام این تحقیق میتواند به درک بهتر از فضای حاکم بر ذهن شاعر غزلسرا و مقایسه‌ی آن با فضای ذهنی شاعر داستان‌سرا منجر شود.

۵- بحث

یکی از زیباترین و مهمترین عناصر سازه‌ای در معماری ایرانی، گنبد است که در طی این نوشتار به بررسی جلوه‌های آن در حوزه‌های پیشتر گفته شده، میپردازیم.

۵-۱- گنبد

عَلَّامَه دهخدا در ذیل مدخل گنبد در واژه نامه‌ی سترگ خود چنین آورده‌اند: «[گمّ بَ] (ا) پهلوی گومبت. (گنبد، قبه) در تهران و اراک (سلطان آباد) گنبد، معرب آن «جنبذ» ... نوعی از عمارت باشد مدور که از خشت و گل و آجر پوشند (برهان) لفظ دیگر فارسیش دیر است».

محمد بن حسین خلف تبریزی در برهان قاطع در ذیل مدخل «گنبد» چنین مینویسد: «بضم اول و فتح بای ابجد و سکون ثانی و دال بی نقطه، نوعی از عمارت باشد مدور که از خشت و گل و گچ و آجر بپوشند. غنچه گل را نیز گویند- و نوعی از آیین [آذین] بندی باشد که مانند گنبد سازند و به عربی قبه گویند- و بمعنی جست و خیز کردن هم هست و مطلق پیاله را نیز گفته اند خواه بدان شراب خورند و خواه چیزی دیگر». (برهان قاطع، «گنبد») غیاث الدین جمشید کاشانی (ف. ۸۳۲ ه.ق) در رساله‌ی «طاق و ازج» قبه را چنین تعریف میکند: «گنبذی است که حول محور قائم (عمود و منصف دهانه) چرخانده شود و بدین صورت، با توجه به دورهای مختلف، اشکال گوناگون گنبد به وجود می‌آید، لکن آنچه تا کنون مورد استفاده قرار گرفته فقط چند دور بوده است» (رساله طاق و ازج، کاشانی، ص: ۷۴). «از واژه گنبد، گاهی بناهای آرامگاهی با پوشش گنبذی نیز استنباط میشود». (فرهنگ

واژه‌های معماری سنتی ایران، فلاح فر، «گنبد». در زبان فارسی میانه «گنبد» به معنی آتشکده است. (انسان‌شناسی و فرهنگ، مختاریان، www.anthropology.ir/node/1106) بطور کلی گنبدها نیم‌کره و یا بخشی از کره هستند که بر روی فضاهایی که بطریق تکثیر اضلاع (تبدیل چهار ضلعی به هشت و شانزده ضلعی) به دایره نزدیک شده اند اجرا میگردند. (ن.ک: معماری ایران، جوادی، صص ۴۴ و ۴۶) بنابراین با توجه به معانی و تعبیرات ارائه شده در بالا، میتوان دریافت که وجه اشتراک کلیه معانی و معادلات به کار رفته برای واژه «گنبد» وجود تحدب و تقعر و یا به عبارتی برآمدگی و فرورفتگی در یکی از سطوح داخلی یا خارجی میباشد.

۵-۲- گنبد در هنر قدسی-اسلامی

به طور کلی و خلاصه میتوان گفت که پیرامون گنبد دو دیدگاه کلی وجود دارد. یک دیدگاه که گنبد را عنصری سازه‌ای برآمده از نیازهای صرف مادی بشر برای دسترسی به فضاهای بزرگتر میداند و دیدگاه دیگر که برای آن معانی رمزین و نمادین متصور است. (ن.ک: فصل‌نامه خیال، شماره: ۴، صص: ۷۲-۷۷). گنبد اگرچه در همه گونه‌های معماری اسلامی-ایرانی اعم از خانه‌های عادی و محقر شخصی تا کاخها و مدارس و حمامها کاربرد داشته است اما همواره، به همراه مسجد، در ذهن تداعی شده است. البته در هنر دیگر آیینها نیز، گنبد عمدتاً در بناهای معابد و پرستشگاه‌ها بکار رفته است. از دیدگاه سنت‌گرایان، در هنر مقدس، شکل معبد و به طور کلی پرستشگاه‌ها گویای این معنی است که "در «اینجا» و «هم‌اینک» خداوند از برای انسان حضور دارد" (هنر مقدس (اصول و روشها)، بورکهارت، ص ۱۷۰). این حضور بی‌واسطه ذات خداوندی در محل معبد و پرستشگاه، پایه و بنیان بررسی معنای عناصر سازنده معبد به طور عام و مسجد به طور خاص است. در بررسی معنای گنبد در هنر مقدس، این نکته که گنبد نیز همانند دیگر اجزای سازنده بنا، تصویری از جهانی دیگر است یکی از نکات بنیادین محسوب میشود. گنبندی که بر فراز معبد هندو قرار گرفته، "طبیعتاً با طاق آسمان مطابقت دارد و رمز دنیای مافوق صورت است" (همان، ص ۴۲) و بدین گونه است که گنبد عاملی برای پیوند بین آسمان و زمین میشود. ساختمان چهارگوشی که گنبد بر فراز آن قرار گرفته، رمزی از زمین و دنیای مادی است که پس از تبدیل به هشت گوش و پس از آن شانزده گوش، زمینه‌ساز استقرار گنبد بر روی بنا میشود. در طی تاریخ، تمدنهای سنتی، خیمه، خانه، مقبره یا حتی حرم را نمادی از عالم پنداشته‌اند. خاستگاه طرح

«سراپرده‌ی جهان» خود تداعی بین آسمان و بام گنبدنمای این ساختارها بود. چنین برمی‌آید تا زمانی که شکل‌های کروی برای انسان سنتی، معنایی واقعی داشت و او این معانی را زاییده‌ی تخیل یا امری غیر جدی نمی‌پنداشت، برایش طبیعی بود که این معنا را از شکلی به شکل همانندش انتقال دهد و اینگونه شد که اصطلاحات فراوانی چون «خیمه‌ی دهر»، «چتر مینا»، «طاق مقرنس» و «کاسه‌ی سرنگون» همه حافظه‌ی خاطره‌ای دیرسالند و آیینی تمام‌نمای اعتقاد نیاکان و معناهای باطنی و ژرفی هستند که با گنبد در ارتباطند برترین تداعی از «گنبد» که در اسلام بر آن سخت تأکید می‌شود همانا اندیشه‌ی روح است که سراسر هستی را یک‌باره دوره می‌کند و فرامی‌گیرد همانگونه که گنبد فضای محصور و جوف خود را احاطه می‌کند و قبه‌ی آسمان تمامی خلقت را در برمی‌گیرد. گنبدهای اسلامی نیز حافظ و تجلی‌گر خاطره‌های «گنبد صوفی لباس» افلاکند. بنابراین رنگهایشان مانند الگوی کهن‌شان، سفید، سبز، سبز آبی‌گونه، فیروزه‌ای و طلایی می‌گردد. (ن.ک: حس وحدت، اردلان و بختیار، صص ۷۴ و ۷۵) به هر حال از دیدگاه سنت‌گرایان، گنبد کنایه از آسمان است و بناهایی که گنبد بر آنها سوار می‌شود کنایه از دنیا هستند. "حضرت رسول در روایت معراج خویش، گنبد عظیمی را توصیف می‌کند که از صدف سپید ساخته شده و بر چهارپایه در چهار کُنج قرار گرفته و بر آن‌ها این نخستین چهار کلام اولین سوره، فاتحه‌ی الکتاب، نوشته شده بود: بسم الله الرحمن الرحیم، و چهار جوی آب و شیر و عسل و خمر که انهار سعادت ازلی و سرمدی (بهشتی) است، از آنها جاری بود. این مثال، نمایشگر الگوی روحانی هر بنای قبه دار است. صدف یا مروارید سپید، رمز روح است که «گنبد»ش، تمام مخلوقات را دربرمی‌گیرد. روح کلی که پیش از دیگر مخلوقات آفریده شد، عرش الهی نیز هست که عرش المحيط است. و اما رمز این عرش، فضایی غیبی است که ماوراء آسمان ثوابت و سیارات امتداد دارد... اگر گنبد بنای مقدس، نمایشگر روح کلی است، «ساقه» یا «گریو» هشت ضلعی گنبد که زیر آن قرار گرفته، رمز هشت فرشته «حاملان عرش» اند... بخش مکعب شکل ساختمان، نمودگار کیهان است که چهار رکن آن در چهار کُنج بنا، به عنوان اصول و مبادی در عین حال روحانی و جسمانی، عناصر عالم محسوب می‌شوند. کل بنا، بیانگر تعادلی است که احدیت خداوند را در نظام کیهان انعکاس می‌دهد. مع هذا احدیت در هر مرتبه که مورد نظر قرار گیرد، همواره احدیت است، از این رو شکل منظم بنا را میتوان تعبیری از الوهیت نیز دانست که در این صورت بخش کثیرالاضلاع ساختمان برابر با «برهای تراش خورده» (یعنی وجوه) صفات الهی است، و گنبد آن یادآور احدیت نامتفرق یا افتراق ناپذیر است. " (هنر مقدس (اصول و روشها)،

بورکهارت، ص ۱۴۸). در دیدگاه معماران و بنّایان سنتی "گذر از مربع به قوس نماینده گذر از زمین به آسمان است... یعنی از رازهای کمتر به رازهای افزون‌تر رسیدن یا به وجوه مقدّس و پادشاهی دست یافتن... شکل دایره و مربع ... نمادهای مکمل دو وجه زمین و آسمانند" (فصلنامه خیال، شماره: ۴، ص ۷۴).

شکلهای مربع و دایره یا حجمهای مکعب و کره که احجام سازنده بنای گنبدیند به ترتیب نماد آسمان و زمین است. در سنت خاور دور، بیش از دیگر نقاط جهان بر این تناظر معنا تأکید داشته‌اند. بی‌مناسبت نیست که یادآوری کنیم که در چین باستان، جامه امپراتوران در بالا گرد و در پایین مرتّب بود. این جامه در واقع معنایی نمادین داشت، همچنان که همه اعمال و زندگی آنان بُعدی نمادین و عبادی داشت. این معنا را دقیقاً در بحث معنای گنبد نیز میتوان یافت (همان). از دیدگاه مسلمان سنتی "گنبد در همه نمودهایش مقام عرش الهی است" (حس وحدت، اردلان و بختیار، ص ۷۵). "از آنجا که گنبد نماد آسمان است، گنبد معابد، مقابر، مساجد بزرگ، تالارهای غسل تعمید، تالارهای مجالس ترحیم و قبه‌های کوچک اغلب به صورت تصاویر آسمان، فرشتگان، ستاره‌ها و پرندگان... مرصع یا زینت میشوند" (فرهنگ نمادها. شوالیه و گربران، ص ۷۵۳). گنبد در عین حالی که از دیدگاه فیزیکی و کاربردی، عنصری سازه‌ای است که امکان احداث فضاهای گسترده با کمترین بهره‌گیری از ستون را پدید می‌آورد و فضای درون را (بخصوص در نوع دو پوسته‌اش) از گرما و سرما حفظ میکند، از دیدگاه نمادین "رمز گنبد آسمان و مرکز آن به عنوان محور جهان هم هست که تمام مراتب عالم هستی را با ذات واحد مربوط میسازد" (هنر و معنویت اسلامی، نصر، ص ۶۲). حرکت رو به بالای گنبد و ختم شدنش به تارک آن بیانگر حرکت از کثرت به وحدت است. این حرکت چه از رأس آغاز گردد و به محیط دایره قاعده گنبد ختم شود و چه از محیط دایره‌ای گنبد به رأس آن، بیانگر تجلی و ظهور وحدت در کثرت است. "کره گنبد میتواند تمثیلی از نقطه و مبدأ اولی و وجود باشد. از تقسیمات حجم کره اشکال مختلف ایجاد میشود، یعنی از وحدت، کثرت برمیخیزد" (تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی، مددپور، ص ۲۶۹). اگر کلیت بنای گنبدی را از بالا به پایین نگاه کنیم، مجموعه اجزای آن نماینده سیر از یک بی‌همتای یگانه که رأس گنبد نمایشگر آن است به سوی کثرات را مشاهده میکنیم؛ گویی همه بنا تا پی و شالوده از آن منشعب شده است. و دقیقاً اگر بر عکس بنگریم نشانی از رجوع به آن واحد یگانه را حس میکنیم (فصلنامه خیال، شماره: ۴، ص ۷۵). به طور کلی همه صورتهای هنری در فضای سنتی، از طرُق گوناگون و در ساختاری

مبتنی بر سلسله مراتب، بیانگر و نمایانگر وحدتند و این کارکرد بسادگی در گنبد مشهود است (حس وحدت. اردلان و بختیار، ص ۶) پرداختن به وجوه معنوی و معانی رمزین «گنبد» مقاله‌ای جداگانه را می‌طلبد.

۵-۳- گنبد در دو گروه ادبی

در این بخش به بررسی نتایج آماری جلوه‌ها و کارکرد گنبد در آثار دو گروه غزلسرا و داستان‌سرای ادب فارسی می‌پردازیم. هدف از دسته بندی شاعران به دو گروه غزلسرا و داستان‌سرا، این است که ببینیم در هر یک از این قوالب شعری و با توجه به مفاهیم و مضامینی که در هر یک از این انواع شعری بیان میشود، «گنبد» چه کارکردی داشته است و در هریک از این گروه‌ها سعی بر انتخاب شاعرانی بوده که در این گروه، تأثیرات بسزایی از خود در مسیر تاریخی ادبیات برجای گذاشته‌اند. به دلیل طولانی شدن مطلب، آوردن کلیه نمونه‌های کاربرد واژه «گنبد» در آثار این بزرگان مقدور نیست، بنابراین فقط به ارائه برخی نمونه‌ها بسنده شده‌است. اما در ارائه آمار کلیه ابیات مورد توجه بوده‌است.

۵-۳-۱- گنبد در گروه غزلسرا

الف) مولانا: با توجه به اینکه در این مقاله، مولانا در گروه «غزلسرایان» قرار گرفته بنابراین، در این پژوهش، صرفاً به نمونه‌های کاربرد واژه «گنبد» در دیوان شمس استناد شده‌است و برخی از آنها به عنوان مثال به همراه جدولی که برای خلاصه‌سازی ویژگی‌های کارکرد «گنبد» در آن بیت طراحی شده، ذکر گردیده‌است.

خرم کن و روشن کن این مفرش خاکی را خورشید دگر بنما این گنبد خضرا را (ساغر، ۱۳۸۹)

پیدا شود سرّ نهان ویران شود نقش جهان موجی برآید ناگهان بر گنبد اخضر زند (غزلیات شمس تبریز، تصحیح شفیع کدکنی، ص: ۳۵۳)

جدول ۱

واژه/ترکیب	گنبد خضرا		تعداد	—
نوع ترکیب	وصفی		رنگ	سبز
صفت	خضرا		منظور	آسمان
ویژگی	—		—	

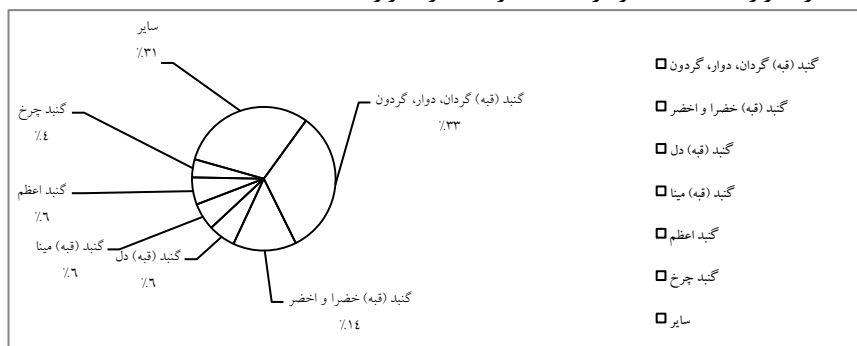
با بررسی کاربردهای «قَبّه» و «گنبد» در غزل مولانا، نتایج زیر بدست آمد:

(۱) واژه «قَبّه» در غزل مولانا ۱۲ بار بکار رفته است که ۴ مورد به صورت منفرد و ۸ مورد آن به صورت ترکیب است.

(۲) برای واژه قَبّه در غزل مولانا، هفت بار ویژگی‌هایی به طور مستقیم یا غیر مستقیم و از فحوای کلام شعر دریافت شد که در این میان ویژگی «برجستگی» با ۳ بار تکرار بیشترین فراوانی را دارد و ویژگی‌های «گردندگی»، «شفافیت» و «دودآلود بودن» هر کدام فقط یکبار تکرار شده‌اند.

(۳) واژه «گنبد» ۴۳ بار در غزل مولانا بکار رفته است که ۲ بار آن به صورت منفرد و ۴۱ بار در قالب ترکیب است.

(۴) مولانا در غزلیاتش از «گنبد» و معادل‌های آن ۵۵ بار بهره جسته است که ۴۹ بار به همراه مضاف‌الیه و یا صفت و ۶ بار به صورت منفرد می‌باشد. کاربردهای «گنبد گردان»، «گنبد گردون»، «گنبد دوار» و «قَبّه گردون» ۱۶ بار تکرار شده‌اند. کاربردهای «گنبد خضرا» و «گنبد اخضر» با ۷ بار تکرار در رده‌ی دوم فراوانی قرار دارند. ترکیبات «گنبد (قَبّه) دل»، «گنبد (قَبّه) مینا» و «گنبد اعظم» هر کدام ۳ بار و ترکیب «گنبد چرخ» ۲ بار تکرار شده‌اند. سایر ترکیبات نیز ۱۵ بار تکرار شده‌اند.



شکل ۱- فراوانی ترکیبات و کاربردهای مختلف از قَبّه و گنبد در غزل مولانا

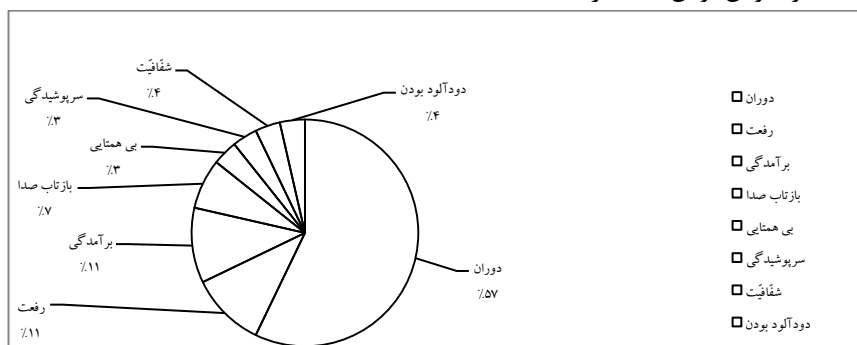
(۵) مولانا در غزلیاتش واژه‌های «قَبّه» و «گنبد» را ۳۳ بار به صورت وصفی (مثل: گنبد دوار، گنبد گردون، گنبد اعظم، نادره گنبد) و ۱۶ بار در ترکیبات اضافی (مثل: گنبد مینا، گنبد دل، گنبد هفت‌آسمان) به کار برده است. بنابراین، میتوان گفت که نسبت کاربرد وصفی به اضافی واژه‌های «گنبد» و «قَبّه» در شعر مولانا، ۶۷ درصد به ۳۳ درصد است.

۶) واژه‌های «قبّه» و «گنبد» در غزلیات مولانا فقط دو بار در معنای حقیقی خود به کار رفته‌اند و در ۵۳ مورد دیگر، معنای مجازی آنها مدّ نظر بوده است. به عبارت دیگر، «گنبد» در ۹۶ درصد موارد در معنای مجازی و فقط در چهار درصد موارد در معنای حقیقی به کار رفته است.

۷) در کل موارد بهره‌گیری از واژه گنبد و قبّه در غزل‌های مولانا، فقط در ۱۴ مورد به رنگ آن اشاره شده است (مثل گنبد خضرا، گنبد کبود، گنبد اطلس) که همگی آنها را میتوان در گروه «کبود» شامل آبی تیره، فیروزه‌ای و سبز جای داد.

۸) در مواردی که معنای مجازی گنبد و قبّه مدّ نظر بوده است، ۳۹ بار منظور از آنها «آسمان» (مثل گنبد چرخ، گنبد اطلس)، پنج بار «فلک الافلاک» (مثل گنبد اعظم، گنبد نار) و نه بار، سایر موارد بوده است.

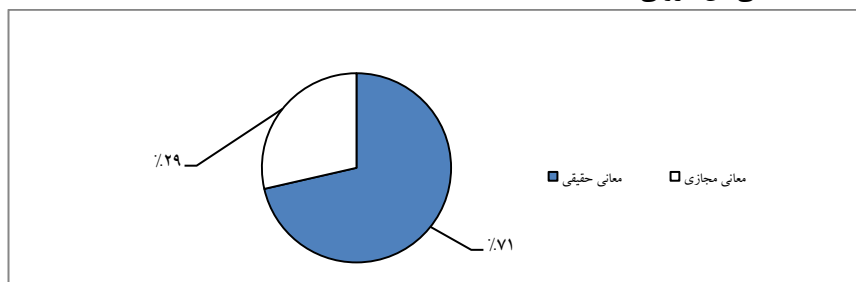
۹) در غزل مولانا ۱۶ بار برای گنبد و قبّه، ویژگی دَوران و گردش، ۲ بار خاصیت «بازتاب و طنین صدا»، سه بار «رفعت و بلندمرتبی» و سه بار «برآمدگی و برجستگی» در نظر گرفته شده است. هر یک از ویژگیهای «بی‌همتایی»، «سرپوشیدگی»، «شفافیت» و «دودآلود بودن» یک‌بار به گنبد نسبت داده شده‌اند.



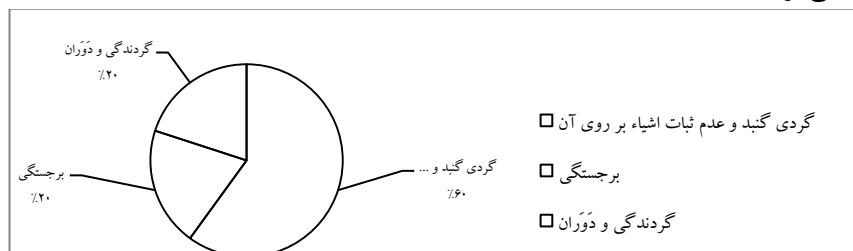
شکل ۲- درصد فراوانی ویژگی‌های گنبد و قبّه در غزلیات مولانا

ب) سعدی: در مجموعه غزلیات سعدی فقط واژه «گنبد» و آن هم دو بار بکار رفته‌است (ساغر، ۱۳۸۹). دو بار کاربرد یک واژه در کل مجموعه غزلیات سعدی، در حدّی نیست که بتوان بر پایه آن به صدور حکمی تعمیم یافته و قطعی دست زد، اما داشتن گوشه چشمی به کاربرد «گنبد» در سایر آثار ادبی سعدی، میتواند به روشنتر شدن نحوه کاربرد «گنبد» در غزلیات نیز کمک کند. در مجموع آثار سعدی از بین هفت مورد کاربرد واژه «گنبد» یا «قبّه»، پنج مورد آن در معنای حقیقی خود و دو مورد دیگر در معنای مجازی به کار رفته‌اند

و این برعکس دیگر شاعران چه در گروه غزلسرا و چه در گروه داستانسرا است، که در آثار مورد بررسی ایشان همواره تعداد دفعات کاربرد معنای مجازی «گنبد» بر تعداد دفعات کاربرد معنای حقیقی آن فزونی داشته است.



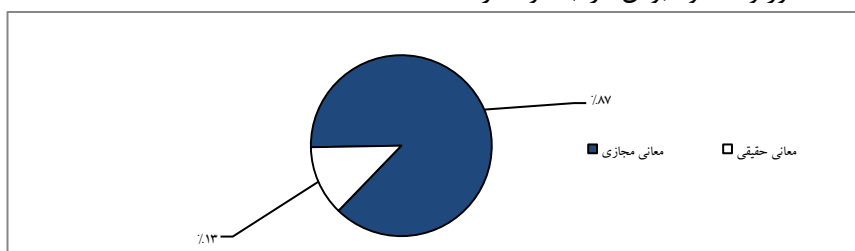
شکل ۳- نسبت کاربرد معنای حقیقی به معنای مجازی واژه ی «گنبد» در شعر سعدی
در شعر سعدی واژه گنبد یا قبه، سه بار به صورت منفرد و چهار بار به صورت ترکیب (مثل گنبد دوار، گنبد گیاه) بکار رفته است که یکبار ترکیب وصفی (گنبد دوار) و سه بار اضافی بوده است.



شکل ۴- فراوانی ویژگی گنبد و قبه در شعر سعدی
اندک دفعات کاربرد «گنبد» در غزلهای سعدی، میتواند این نکته را بازگو کند که برای سعدی، برخلاف دیگر شاعران گروه غزل‌سرا، و حتی گروه داستانسرا، «گنبد» مفهومی ماورایی و خاص را نداشته است؛ زیرا همانگونه که در کاربرد «گنبد» در دیگر آثار او میبینیم، ذهن او بیشتر درگیر فرم و سازه گنبد است. برای سعدی خواص فیزیکی و سازه‌ای «گنبد» بسیار ارجح و نمایانتر از ویژگیهای معنایی آن بوده است. سعدی، «گنبد» را به عنوان واژه‌ای برای ساخت و پرورش ترکیبات و تشبیهات هم نمیدانسته زیرا که هیچ بهره‌گیری خاصی از «گنبد» به عنوان ابزاری در اختیار شاعر برای انتقال معنایی متفاوت از معنای حقیقی واژه در آثار سعدی نمی‌بینیم.

ج) حافظ: خواجه‌ی شیراز هفت بار از واژه «گنبد» (فرهنگ واژه نمای حافظ صدیقیان، صص ۱۰۱۶-۱۰۱۷ و ۱۲۲۰)، یکبار از واژه «قبّه» (کلک خیال‌انگیز (فرهنگ بسامدی و تصویری دیوان حافظ)، انوری و دیگران، ص: ۲۳۴) و یک بار نیز از «قبا» که جمع مکسر قبّه است بهره برده است.

در غزل حافظ، واژه «گنبد» هفت بار و واژه «قبّه» یا مشتقات آن یک بار بکار رفته است. از مجموع این هشت مورد کاربرد، شش تای آنها در ترکیبات اضافی (مثل گنبد مینا، گنبد چرخ، گنبد افلاک، قبا خیم) و دو مورد دیگر به صورت وصفی (گنبد دوار، گنبد نیلی حصار) بکار رفته‌اند. واژه «گنبد» در غزل حافظ در ۲۵ درصد موارد به شکل وصفی و در ۷۵ درصد موارد در ترکیبات اضافی به کار رفته‌است. از مجموع هشت مورد کاربرد واژه «گنبد» و معادلهای آن، هفت بار در معنای مجازی (مثل هفت گنبد افلاک، گنبد مینا، گنبد دوار و گنبد چرخ) و فقط یکبار و آن در ترکیب «قبا خیم» در معنای حقیقی خود (برآمدگی رأس گنبد) به کار رفته است. به طور کلی واژه «گنبد» در غزلهای حافظ در ترکیباتی به کار رفته است که سه ویژگی: ۱. «گردندگی و تحول» ۲. «رفعت و بلند مرتبگی» (دوبار) ۳. «محصور و محدود بودن» را با خود دارد.



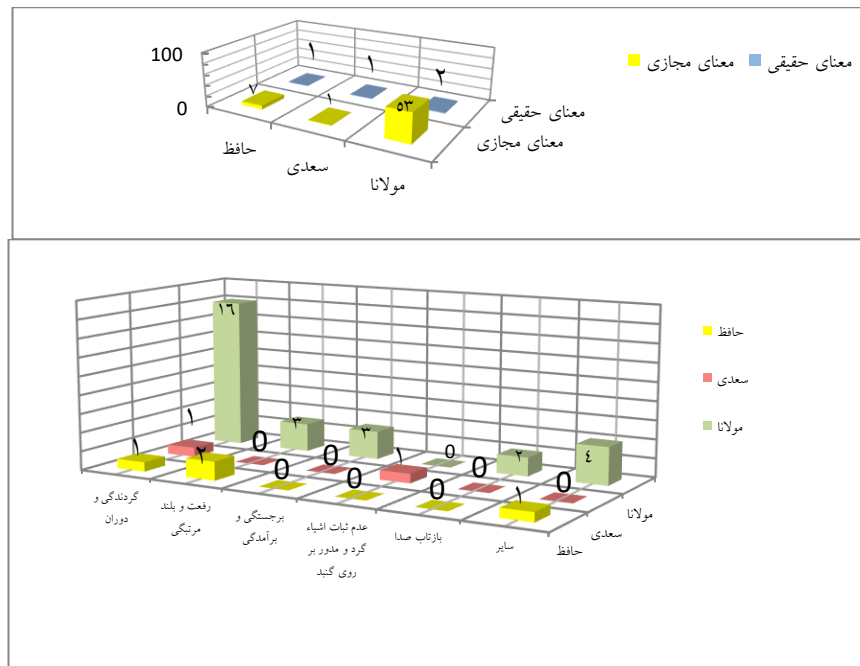
شکل ۵- نسبت معانی حقیقی و مجازی واژه «گنبد» در شعر حافظ

۵-۳-۲- تحلیل کارکرد «گنبد» در گروه غزلسرا

در گروه غزلسرایان جمعاً ۶۵ بار واژه گنبد و معادلهای آن به کار رفته است که از این تعداد، ۷ مورد به صورت منفرد و ۵۸ بار در قالب ترکیب و نسبت کاربرد وصفی به اضافی، ۶۲ به ۳۸ است.

در این گروه، «گنبد» و معادلهای آن ۶۱ بار در معنای مجازی و ۴ بار در معنای حقیقی بکار رفته‌اند. در این گروه فقط در غزلیات سعدی است که درصد کارکرد معنای حقیقی با کارکرد معنای مجازی «گنبد» برابر است.

از ۳۴ ویژگی تشخیص داده شده برای «گنبد» در گروه غزل‌سرایان، ۱۸ مورد به ویژگی «گردندگی»، ۵ مورد به ویژگی رفعت و بلندمرتبعی، ۳ مورد به ویژگی برجستگی و برآمدگی، ۱ مورد به ویژگی عدم ثبات اشیاء گرد و مدور بر سطح گنبد، ۲ مورد به ویژگی بازتاب صدا در زیر گنبدخانه و ۵ مورد به سایر ویژگی‌ها اشاره دارند.



شکل ۶ - نمودار مقایسه‌ای فراوانی ویژگی‌های «گنبد» در شعر شاعران گروه غزلسرا
در میان گروه غزلسرا، سعدی بیشتر به خواص فیزیکی و ویژگی‌های مادی گنبد نظر داشته است. اگر چه در غزل مولانا نیز ۳ بار به خاصیت بازتاب صدا در زیر گنبد، به عنوان یکی از ویژگی‌های فیزیکی گنبد، اشاره شده است اما با توجه به مجموع ویژگی‌های برشمرده شده برای «گنبد» در غزل مولانا، این ویژگی، درصد بسیار کم و ناچیزی را شامل می‌شود. بی‌تردید سازه گنبد در نظر شاعران این گروه تداعی گر آسمان بوده است. نکته جالب توجه اینکه در اشعار مولانا که جنبه عارفانه و تعلیمی را توأمان دارند، بارزترین ویژگی گنبد، «گردندگی و دوران» است. ظاهراً مولانا بیش از هر چیز، تحت تأثیر فرم و کلیت سازه «گنبد» قرار گرفته بوده و برای او انحنای دوران خطوط سازنده «گنبد» بیش از هر چیز دیگری جلب توجه می‌کرده است. اینها همان خطوطی‌اند که دوران و گردندگی را تداعی

میکنند. به طور مثال، آنقدر که حافظ تحت تأثیر خطوط عمودی گنبد قرار گرفته است مولانا چنین تأثیری را دریافت نکرده است.

۵-۳-۳- گروه داستانسرا

در این بخش به بررسی کارکرد «گنبد» در منظومه‌های دو داستانسرای بزرگ پارسی‌زبان یعنی نظامی و خواجوی کرمانی میپردازیم.

الف) نظامی گنجوی: بررسی کارکرد «گنبد» در مجموعه «خمسۀ نظامی» ما را به نتایج زیر رهنمون میکند:

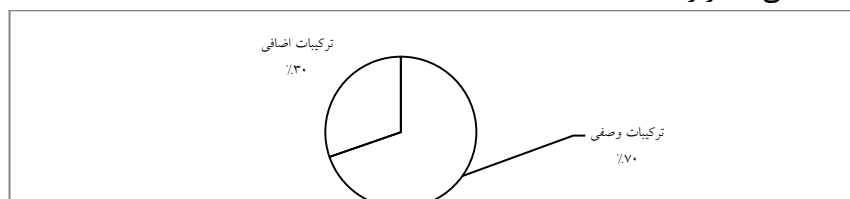
(۱) «قَبّه» یکبار و آن هم به صورت منفرد و در معنای مجازی «کاخ و قصر شاهی» به کار رفته است:

برون پر تا نفرسای درین بند چو مرغ قَبره زین قَبه چند

(۲) واژه «گنبد» ۱۰۱ بار در شعر نظامی بکار رفته است که از این تعداد ۳۵ مورد به صورت منفرد و ۶۶ بار در قالب ترکیب بوده است. جالب اینکه درصد کاربرد «گنبد» در معنای حقیقی هنگامی که به صورت منفرد و تک به کار رفته است بسیار بیشتر از درصد کاربرد گنبد در معنای حقیقی در حالت ترکیب است به عبارت دیگر واژه «گنبد» در شعر نظامی، هنگامی که به صورت تنها و منفرد بوده عمدتاً در معنی «حقیقی» بکار رفته است در حالی که «گنبد» در قالب ترکیب، عمدتاً در معنای مجازی به کار رفته است.

(۳) از ۱۰۲ بار کاربرد واژه «گنبد» و معادل‌هایش، ۴۲ بار در معنای حقیقی (مثل هفت گنبد، زردگنبد) و ۶۰ بار در معنای مجازی (مثل گنبد کوز، گنبد جفاپیشه، گنبد روان، گنبد خاک) بوده است

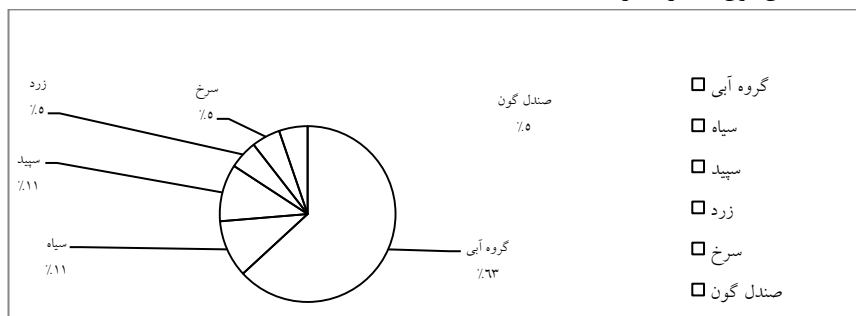
(۴) واژه «گنبد» و معادل‌هایش ۴۶ بار در قالب ترکیبات وصفی و ۲۰ بار در قالب ترکیبات اضافی به کار رفته است



شکل ۷- نسبت کاربرد «گنبد» به شکل وصفی به اضافی واژه «گنبد» در شعر نظامی

(۵) در شعر نظامی جمعاً ۱۹ بار به رنگ «گنبد» اشاره شده است که ۱۲ مورد آن در گروه آبی (شامل: آبی تیره، سبز، فیروزه‌ای، لاجوردی و کبود) جای میگیرند. در شعر نظامی

به رنگ سیاه «گنبد» ۲ بار، رنگ سپید ۲ بار، رنگ زرد ۱ بار، رنگ سرخ ۱ بار و رنگ صندل‌گون ۱ بار اشاره شده‌است.



شکل ۸- رنگ گنبد در شعر نظامی

(۶) در ۶۰ مورد کاربرد معنای مجازی «گنبد» در شعر نظامی، ۳۷ بار غرض از آن «آسمان»، ۷ بار «آرامگاه و مدفن»، ۳ بار «خورشید»، ۲ بار «خیمه»، یک بار «جهان»، یک بار «آخرت» و ۸ بار «سایر» موارد بوده‌است.

(۷) از ۲۸ ویژگی دریافت شده برای گنبد در شعر نظامی، شش مورد آن به «بازتاب و انعکاس صدا در زیر گنبد»، شش مورد «درخشندگی»، چهار مورد «دوران»، دو مورد «رفعت»، دو مورد «مکر و حيله»، دو مورد «ستمگری و استبداد»، یک مورد «عدم ثبات و پایداری اشیاء مدور بر سطح گنبد» و ۵ مورد به سایر ویژگیها اشاره داشته‌است.

(ب) **خواجوی کرمانی:** خمسه خواجوی کرمانی مشتمل است بر روضه‌الانوار، همای و همایون، گل و نورو، کمال‌نامه و گوهرنامه. بررسی کارکرد «گنبد» در خمسه خواجو، این نتایج را در پی دارد:

(۱) در مجموعه خمسه خواجوی کرمانی ۲۵ بار واژه قبه بکار رفته است، که ۹ مورد آن به صورت منفرد و ۱۶ مورد آن در قالب ترکیب بوده است.

(۲) واژه «گنبد» ۲۵ بار در مثنویهای خواجوی کرمانی تکرار شده است که ۹ بار آن به صورت منفرد و ۱۶ بار در قالب ترکیب بوده‌است. از «گنبد» به صورت ترکیب «گنبد شش‌روزن» یا «گنبد شش‌در» دو بار، «گنبد لاجورد» چهار بار، «گنبد نُه‌طاق» یک بار، «گنبد نیلوفری» یک بار و هشت بار در سایر ترکیبات استفاده شده‌است. نکته جالب توجه اینکه در شعر خواجوی کرمانی، هر جا که گنبد در قالب ترکیب بکار رفته است همواره در معنای مجازی بوده و فقط در برخی موارد که در حالت منفرد بکار رفته، دارای معنای حقیقی بوده است.

۳) شاعر در مجموع کاربرد «گنبد» و «قبّه» در قالب ترکیب، ۲۳ بار از ترکیب وصفی و ۱۹ بار از ترکیب اضافی بهره برده‌است.

۴) از مجموع ۵۰ دفعه‌ای که خواجهی کرمانی واژه گنبد و معادلش را بکار برده، شش بار در معنای حقیقی و ۴۴ بار در معنای مجازی از آن استفاده کرده است. در بین ۴۴ موردی که معنای مجازی «گنبد» مدّ نظر شاعر بوده است، ۱۳ بار آن را در معنای «آسمان»، ۱۲ بار در معنای «کاخ»، سه بار در معنای «آرامگاه» و ۱۶ بار در دیگر معانی بکار برده‌است.

۵) جمعاً ۱۰ بار در خمسّه خواجه به رنگ گنبد اشاره شده است که فراوانی رنگها در گروههای رنگی بدین شرح است: گروه کبود شامل: آبی، سبز، فیروزه‌ای و لاجوردی ۶ بار، گروه زرّین ۳ بار و گروه تیره یا سیاه یک بار. نمودار زیر، این نتایج را به صورت درصد نمایش میدهد.

۶) در کلّ مثنویهای خواجه به ویژگی رفعت، شکوهمندی و تجمل گنبد ۱۶ بار، گردندگی و دوران گنبد یک بار، تلالؤ و درخشندگی گنبد هفت بار و سایر ویژگیها هشت بار اشاره شده است.

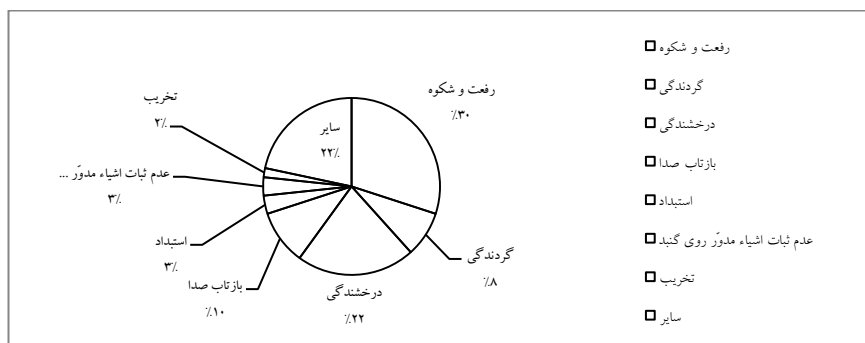
۵-۳-۴- تحلیل کارکرد «گنبد» در گروه داستان‌سرا

واژه «گنبد» و معادلهایش در گروه داستان‌سرا ۱۵۲ بار تکرار شده که ۵۴ بار به صورت منفرد و ۹۸ بار در قالب ترکیب بوده است. از ترکیباتی که «گنبد» در آنها شرکت جسته است، ۶۰ مورد وصفی و ۳۸ مورد آن اضافی است.

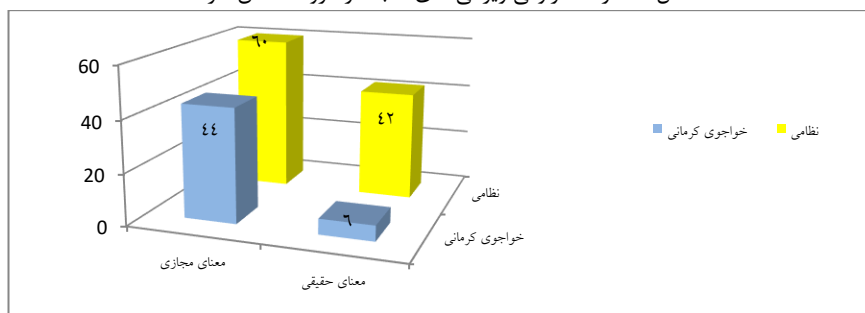
«گنبد» در گروه داستان‌سرا، ۱۰۴ بار در معنای مجازی و ۴۸ بار در معنای حقیقی بکار رفته‌است.

از تعداد ۱۰۴ بار کاربرد مجازی واژه «گنبد»، ۵۰ بار غرض از آن «آسمان»، سیزده بار «کاخ»، ده بار «آرامگاه»، پنج بار «خورشید»، سه بار «خیمه»، یک بار «زمین»، چهار بار «جهان» و هجده بار سایر موارد بوده است.

در کلّ شعر گروه داستان‌سرا شصت بار، ویژگیهایی برای «گنبد» دریافت شد که «رفعت، شکوه و تجمل» هجده بار، «گردندگی» پنج بار، «درخشندگی» سیزده بار، «بازتاب صدا» شش بار، «استبداد» دو بار، «عدم ثبات اشیاء مدوّر بر سطح گنبد» دو بار، «انهدام و تخریب» یک بار و سایر موارد نیز سیزده بار آن را به خود اختصاص داده‌اند.



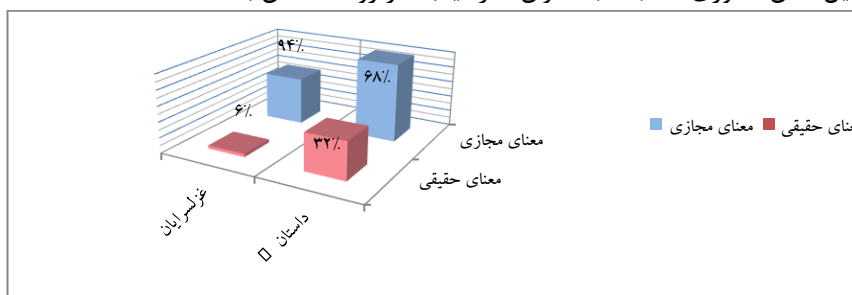
شکل ۹- درصد فراوانی ویژگی‌های گنبد در گروه داستان سرا



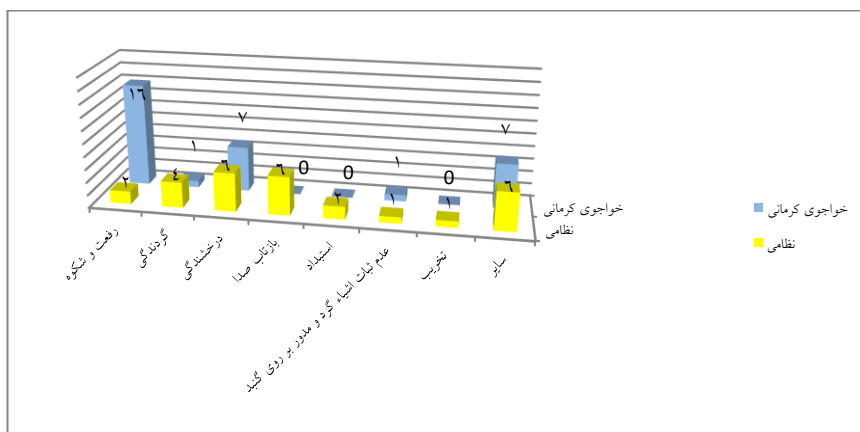
شکل ۱۰- فراوانی معانی حقیقی و مجازی گنبد در اشعار و خواجه کرمانی

۶- مقایسه دو گروه

غزلسرایان این تحقیق، واژه «گنبد» و معادل‌هایش را بیشتر از داستان‌سرایان در معنای مجازی به کار برده‌اند؛ به طوریکه در گروه غزلسرا در ۹۴٪ موارد، «گنبد» در معنای مجازی به کار رفته است درحالی‌که این کاربرد در گروه داستان‌سرا ۶۸٪ است، در نتیجه کاربرد معنای حقیقی «گنبد» در گروه داستان‌سرا بیشتر از گروه غزلسراست و البته این نکته می‌تواند به دلیل نقش محوری «گنبد» به عنوان سازه یا بنا در روند داستان باشد.



شکل ۱۱- نمودار مقایسه‌ای درصد کاربرد معنای مجازی به حقیقی در دو گروه غزلسرا و داستان‌سرا



شکل ۱۲- نمودار مقایسه‌ای فراوانی ویژگیهای گنبد در شعر اعضای گروه داستانسرا

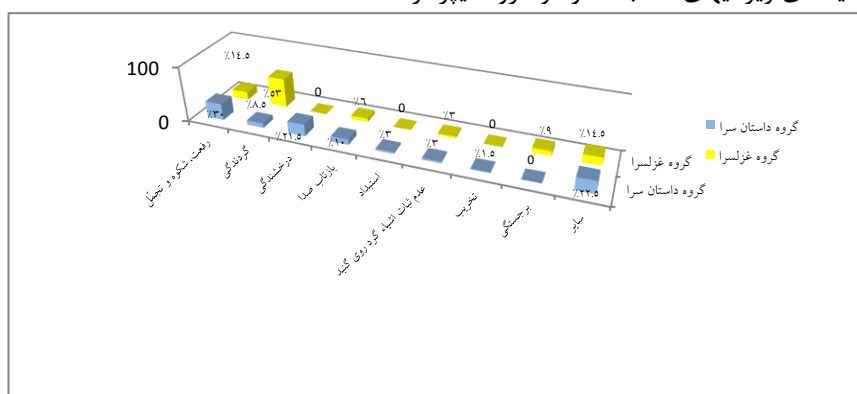
تنوع رنگ گنبد در گروه داستانسرا بسیار بیشتر از گروه غزلسراست و البته این موضوع را علاوه بر بهره‌برداریهای خاص از معنای رنگها (به‌خصوص در داستان هفت‌پیکر) میتوان به ذات داستانوار اشعار این گروه نیز نسبت داد.

«گنبد» در گروه غزلسرایان، بیش از گروه داستانسرایان، مجازاً در معنای «آسمان» به کار رفته‌است. در معنای مجازی «گنبد» در دو گروه، تفاوت‌های دیگری نیز مشاهده میشود. معناهای مجازی «گنبد» در گروه داستانسرا، به خود «گنبد» نزدیک‌ترند تا در گروه غزلسرا. به طور مثال در گروه داستانسرا، ۱۲٫۵ درصد از کاربردهای مجازی «گنبد» در معنای کاخ یا بنای با شکوه بوده است درحالی‌که در گروه غزلسرا چنین معنایی به کار برده نشده‌است. بطور کلی میتوان گفت که «گنبد» در گروه داستانسرا، کاربردی «حقیقی‌تر» از گروه غزلسرا داشته است.



شکل ۱۳- معنای مجازی گنبد در دو گروه غزلسرا و داستان سرا

ویژگی غالب در گروه داستان‌سرا، رفعت، تجمل و شکوه است. در حالیکه در نظر گروه غزلسرا، گردندگی «گنبد» بیشتر خودنمایی میکرده‌است. حتی خواجه که در این پژوهش در گروه داستان‌سرایان قرار گرفته و فقط به مثنویات وی پرداخته‌ایم، در مجموع خمسۀ خود فقط یک بار به ویژگی گردندگی «گنبد» اشاره کرده است، در حالیکه همین شاعر در غزلیاتش، سه بار ویژگی «گردندگی» را به «گنبد» اختصاص داده‌است. نمودار زیر به بررسی مقایسه‌ای ویژگیهای «گنبد» در دو گروه میپردازد.



شکل ۱۴- فراوانی ویژگی‌های مورد توجه در کارکرد مجازی در دو گروه غزلسرا و داستان‌سرا
در شعر گروه داستان‌سرا، نور و رنگ «گنبد»، بیشتر خودنمایی میکند. تصویری که در شعر این گروه در ذهن تداعی میشود شفاف‌تر و درخشان‌تر است. تجمل و شکوه، ویژگی غالب «گنبد» در گروه داستان‌سراست در حالیکه در گروه غزلسرا، گردندگی و گذرا بودن «گنبد» بیشتر مد نظر بوده‌است. اگر در کنار این نکته در نظر آوریم که در گروه غزلسرا، بیشترین معنای مجازی «گنبد» به «آسمان» اختصاص داشته، میتوان به ذهنیت غالب بر این گروه که ناپایداری روزگار و گذشت عمر است، رسید.

علیرغم وجود برخی اختلافات در کاربرد «گنبد» در دو گروه یاد شده، اشتراکاتی نیز در این زمینه وجود دارد. برای شاعران هر دو گروه، «گنبد» تداعی‌گر آسمان بوده است و بهترین پدیده‌ای که میتوانستند آسمان را به آن تشبیه کنند «گنبد» بوده‌است. در هر دو گروه تعداد معناهای مجازی بر معناهای حقیقی فزونی دارد و در میان معانی مجازی، در هر دو گروه، «آسمان» اکثریت را در اختیار دارد. در جایی که شاعران، «گنبد» را به عنوان نماد و رمزی از کل هستی و جهان آفرینش در نظر گرفته‌اند، به راحتی و به روشنی میتوان ردپای این دیدگاه را دریافت، یعنی ایشان «گنبد» را نه تنها رمزی از آسمان بلکه نمادی از کل هستی

و آفرینش میدانند. «گنبد» در معنای «کلّ جهان و هستی» فقط در گروه داستان‌سرا کاربرد داشته است و فقط با اندکی اغماض و آسانگیری، و با تعمیم معنای آسمان به کل هستی و آفرینش، میتوان گفت که در گروه غزلسرا فقط حافظ، در چند موردِ معدود، «گنبد» را در این معنا به کار برده است.

۷- نتیجه‌گیری

با بررسی نتایج حاصل از مطالعه شعر دو گروه «غزلسرا» و «داستان‌سرا»، میتوان گفت که، «گنبد» در نزد شاعران غزلسرا بیشتر در معنای مجازی خویش بکار رفته‌است و این عنصر سازه‌ای برای این گروه از شاعران بیشتر تداعیگر مفهوم آسمان بوده‌است. این نکته با موارد اشاره شده در بحث «گنبد از دیدگاه هنر قدسی» شباهت زیادی دارد. گویی شاعران غزلسرا با این نکته که گنبد از دیدگاه نمادین "رمز گنبد آسمان و مرکز آن به عنوان محور جهان هم هست که تمام مراتب عالم هستی را با ذات واحد مربوط می‌سازد" (هنر و معنویت اسلامی. نصر. ص ۶۲) موافقت داشته‌اند. تنوع زیاد رنگی گنبد در گروه داستان‌سرا در تقابل با محدودیت رنگ گنبد در گروه غزلسرا به وضوح به چشم می‌آید. رنگ گنبد در شعر گروه غزلسرا بیشتر در طیف رنگی سبز، آبی و فیروزه‌ای قرار گرفته است و این میتواند دلیلی دیگر بر این امر باشد که عنصر سازه‌ای گنبد نزد این گروه تداعیگر آسمان است و از همین روی گنبد در شعر آنان بیشتر به رنگ آسمان است در حالیکه تنوع رنگی در گروه داستان‌سرایان بسیار است. به نظر می‌آید که فضای حاکم بر غزل و مفاهیم قابل طرح در غزل این امکان را به شاعران غزلسرا داده است تا بیشتر به معانی مجازی گنبد نظر داشته باشند.

منابع و مأخذ

- ۱- برهان قاطع. محمد بن حسین خلف تبریزی.. تصحیح و تحشیه محمد معین. (۱۹۶۳). تهران: نشر ابن سینا
- ۲- تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی. مددپور، محمد. (۱۳۹۰). تهران: بین‌الملل
- ۳- حسّ وحدت، اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). سنت عرفانی در معماری ایران. ترجمه حمید شاه‌رخ. مقدمه از سیدحسین نصر. اصفهان: نشر خاک
- ۴- رساله طاق و ازج. غیاث الدین جمشید کاشانی. (قرن نهم ه.ق). ترجمه و تحشیه سید علی‌رضا جذبی. (۱۳۶۶). تهران: انتشارات سروش

- ۵- غزلیات شمس تبریز. مولانا جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۷). گزینش و مقدمه و تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن
- ۶- فرهنگ نمادها. شوالیه، ژان و گربران، آلن. (۱۳۸۵) ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون
- ۷- فرهنگ واژه‌های حافظ (به انضمام فرهنگ بسامدی). صدیقیان، مهین‌دخت. با همکاری میرعابدینی، ابوطالب. (۱۳۶۶). تهران: امیرکبیر
- ۸- فرهنگ واژه‌های معماری سنتی ایران فلاح فر، سعید. (۱۳۸۸). ویراست دوم. تهران: نشر کاوش پرداز
- ۹- کلک خیال‌انگیز (فرهنگ بسامدی و تصویری دیوان حافظ)، انوری، حسن و معین‌الدینی، احمد و معین‌الدینی، فاطمه. (۱۳۸۵). تهران: سخن
- ۱۰- لغت‌نامه. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۵). دانشگاه تهران: موسسه دهخدا
- ۱۱- معماری ایران جواد، آسیه (۱۳۶۳). جلد دوم. تهران: نشر مجرد
- ۱۲- هنر مقدس (اصول و روشها). بورکهارت، تیتوس. (۱۳۹۰). ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش
- ۱۳- هنر و معنویت اسلامی. نصر، سید حسین. (۱۳۸۹). ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: حکمت
- ۱۴- انسان شناسی و فرهنگ www.anthropology.ir/node/1106. (۱۱، ۱۳۸۶). اسفند). مختاریان، بهارهیوند مناره‌ها و گنبد با نماد سه‌تایی مقدس.
- ۱۵- فصل‌نامه خیال. (پیاپی ۴)، زمستان. صص ۷۲-۷۷. گنون، رنه. (۱۳۸۱). «معانی نمادین گنبد». ترجمه‌ی فرزین فردانش.
- ۱۶- مجله‌ی زبان و ادب. شماره ۱۹. بهار ۱۳۸۳. صص ۱۲۳-۱۴۱. وحیدیان کامیار، تقی. علی اکبری، نسرين. (۱۳۸۳). «کاربرد گنبد در شعر فارسی از چشم‌انداز اسطوره‌ای آن»
- ۱۷- نرم افزار ساغر. کتابخانه الکترونیکی شعر فارسی. (۱۳۸۹). [CD.ROM]